

## نقض حقوق بشر به واسطه اقدامات تروریستی

### وسازوکار مبارزه با آن

مجید بزرگمهری<sup>۱</sup> مهسا کیارستمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۱۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۵/۹

#### چکیده

نقض گسترده حقوق و آزادی های اساسی بشر از جمله سرکوب سیاسی، تبعیض های اجتماعی، عدم رواداری و تحمل در برخورد با اقلیت ها (مذهبی، نژادی و...)، به حاشیه راندن هرگونه صدای مخالف، یکی از موجبات اساسی نضج و گسترش خشونت و اقدامات تروریستی است. اما اعمال خشونت آمیزی که عموماً تروریسم نامیده می شود مستقیم و غیر مستقیم - باعث نقض حقوق بشرو آزادی های بنیادین شهروندان می شود. از سوی دیگر، با عنایت به اینکه مقابله با جرائم تروریستی باید به صورت سامانه مند و مداوم صورت گیرد و مستلزم اتخاذ تدابیر نسبتاً شدید (در مقایسه با سایر جرائم) است، همواره این نگرانی وجود دارد که دولت ها (حتی سامانه های مبتنی بر مردم سالاری و حاکمیت قانون) از مسیر اعتدال و عقلانیت خارج شده و در چهارچوب مبارزه با تروریسم، خود مرتکب نقض و یا تحدید حقوق بشر شوند. سؤال محوری این مقاله پیرامون بررسی ابعاد نقض حقوق بشر در پدیده تروریسم با تکیه بر نظریه سازه انگاری بررسی می شود. در این تحقیق، با رویکردی تبیینی و تکیه بر اسناد، از روش مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است. یافته های تحقیق گویای آن است که اقدامات تروریستی با سلب حیات انسان های بی گناه و سازوکار مبارزه با آن نیز در مواردی با نقض حریم و حقوق فردی، ناقض حقوق بشر تلقی می شوند.

واژگان کلیدی: تروریسم، سازوکار مبارزه با تروریسم، حقوق بشر، نقض حقوق بشر

۱۳۱

سیاست جهانی

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

نویسنده مسئول، ایمیل: Bozorg\_majid@yahoo.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

تروریسم به دو صورت بر حقوق بشر تأثیر مستقیم دارد: اولاً عمل تروریستی دخالت آشکار در حقوق اساسی بزه دیدگان است. به طور خاص اقدامات تروریستی حق انسانی بر حیات و تمامیت جسمانی و روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ثانیاً واکنش دولت‌ها به عمل تروریستی و یا به یک تهدید تروریستی به نحو اجتناب ناپذیری با حقوق اساسی شهروندان در تضاد است. تروریسم علاوه بر فجایع انسانی، عامل بی‌ثباتی دولت‌ها، تضعیف نهادهای جامعه مدنی، به مخاطره انداختن صلح و امنیت و تهدید توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در این راستا برخی از دولت‌ها اصولاً قابلیت اعمال حقوق بشر را در مبارزه با تروریست‌ها مورد تردید قرار می‌دهند حال آنکه حقوق بشر به عنوان یک نظام حقوقی دارای مقررات و سازوکارهای قابل توجه قابل اعمال در مبارزه با تروریسم است و اسناد بین‌المللی نیز به مکرر به قابلیت اعمال حقوق بشر در مبارزه با تروریسم اشاره کرده‌اند. از این رو دولت‌ها نمی‌توانند به نام مبارزه با تروریسم، حقوق بشر را نادیده گرفته یا محدود نمایند. با وجود این اگر تروریسم یا مبارزه با آن وضعیت اضطراری را به وجود آورد، نظام حقوق بشر تعلیق موقت و استثنایی برخی از قواعد قابل تعلیقش را می‌پذیرد، به هر حال این تعلیق به معنی نفی حاکمیت قانون و تجویز خودسری در مبارزه با تروریسم نیست. غالب حملات تروریستی جزء اقدامات خرابکارانه‌ای هستند که دولت‌ها باید در چهارچوب اصول و قواعد حقوق بشر به آن‌ها پاسخ دهند. با وجود این تکلیف، بسیاری از دولت‌ها با تعلیق عملی برخی از مقررات حقوق بشر، اقدامات ضد تروریستی خود را از رهگذر نقض موازین حقوق بشر به انجام می‌رسانند. حال آنکه حقوق بشر به عنوان یک نظام حقوقی نه تنها تروریسم و برخورد با آن را مدنظر داشته است، بلکه همچنین تروریسم را جزء مواردی طبقه بندی کرده است که با جمع شرایطی چند می‌تواند منتهی به ایجاد وضعیت اضطراری شود که در آن پاره‌ای از مقررات حقوق بشر قابل تعلیق هستند.

دولت‌ها با نگاهی واقع‌گرایانه، برای حفظ حاکمیت و امنیت خود و شهروندان، رعایت اصول حقوق بشری را در رتبه دوم اولویت‌های خود قرار می‌دهند. گروه‌های تروریستی اساساً تعریف خاص خود را از حقوق بشر در لایه باورهای خود می‌گنجانند. در نتیجه

اکثریت گروه‌های تروریستی با رویکردی سازه انگارانه به خشونت سیاسی و تروریسم می‌نگرند و تحقق آرمانهای خود را محور سیاستهای اجرایی دانسته و ابای از نقض حقوق بشر و حق حیات انسانها ندارند.

این مقاله به عنوان سؤال محوری، ابعاد نقض حقوق بشر در پدیده تروریسم و سازوکارمقابله با آن را در ادبیات حقوق بین الملل با توجه به نظریات سازه انگارانه (رویکرد گروه‌های تروریستی) و واقع گرایی (رویکرد دولت‌ها) مورد کنکاش قرار می‌دهد. در این تحقیق، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد، از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. دکتر مسقیمی پیشاپیش در مقاله ارزشمند خود "نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم" در بهار ۱۳۹۰، فصلنامه سیاست، بخشی از ابعاد این موضوع به ویژه اثر تروریسم بر نقض حقوق بشر را در تحلیلی کلی ترسیم ساخته است. دکتر امیر ارجمند نیز در مقاله خود با عنوان "اعمال حقوق بشر در مبارزه با تروریسم" در فصلنامه نامه حقوقی، ۱۳۸۶، برخی از موارد این بحث را روشن ساخته‌اند لیکن مقاله حاضر کوشیده است با تکیه اساسی بر اسناد سازمان ملل خصوصاً اسناد جدید و ادبیات حقوق بین الملل، تحلیلی جامع‌تر از موضوع ارائه دهد.

#### ۱. ابهام مفهومی و تعریف تروریسم

در تعریف و گونه‌شناسی پدیده تروریسم و مصادیق آن نباید از تأثیر قضاوت‌های ارزشی و ضوابط مورد نظر یک محقق دولت غفلت نمود. ممکن است افراد و گروه‌هایی از سوی یک دولت تروریست خوانده شوند ولی دولت‌های دیگری آنها را مبارزان راه آزادی بشناسند و به عنوان نمونه، از نظر دولت‌های آمریکا و اسرائیل و حتی محققان دارای گرایش‌های صهیونیستی، حزب الله لبنان و مبارزان فلسطینی مصادیق بارز تروریسم شناخته می‌شوند و باید ریشه‌های آنها خشکاننده شود ولی از دید مردم و رهبران بسیاری از کشورهای خاورمیانه این گونه سازمان‌ها و گروه‌ها نه تنها تروریست نیستند بلکه به علت ایستادگی در برابر تجاوز و اشغال سرزمین‌شان باید مورد توجه قرار گیرند. مصادیق تروریسم تا آن حد مبهم است که پاره‌ای گروه‌ها و افراد گاه به عنوان تروریست و زمانی دیگر به عنوان مبارزان راه آزادی شناخته می‌شوند، رونالد ریگان در سال ۱۹۸۵ در دیدار با مهاجمان افغان آنان را مبارزان راه آزادی همچون بنیان‌گذاران

آمریکا خواند و مورد حمایت مالی، سیاسی و نظامی قرار داد ولی از سپتامبر ۲۰۰۱، برخی از همین افراد و گروه‌ها از سوی دولت آمریکا تروریست تلقی می‌شوند (خداوردی، ۱۳۸۵: ۱۳۲) ریشه لغوی تروریسم به زبان یونانی *Tras* به معنی ترس و لرز باز می‌گردد. فعل *Tres* یا *Ters* در زبان لاتینی به همین معنا آمده است. در زبان انگلیسی، اصل کلمه *Terreur* به فعل لاتینی *Ters* برمی‌گردد، که آن هم به معنی «ترساندن» یا «ترس و وحشت» است که بیشتر مشتقات آن حول همین معانی مشخص می‌چرخند (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۳۲) در فرهنگ پیشرفته آکسفورد آمده است: «تروریسم نیز به روشی اطلاق می‌شود که هدفش استفاده از خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی است. (آکسفورد، ۱۹۹۳)

پال پیلار جامع‌ترین تعریف از تروریسم را ارائه داده است، او معتقد است که تروریسم خشونت از پیش طراحی شده با جهت‌گیری سیاسی بر ضد اهداف غیرنظامی از سوی گروه‌های خرده ملی و عوامل مخفی است، که معمولاً برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود. این تعریف دارای ۳ عنصر اساسی است (۱) آن که تروریسم عملی است از پیش طراحی شده و ناشی از فکر و تصمیم عده‌ای که می‌خواهند آن را انجام دهند (۲) این کنش دارای جهت‌گیری سیاسی است و با دیگر خشونت‌های برآمده از انگیزه‌هایی همچون انگیزه‌های مالی یا انتقام شخصی ... فرق دارد. مرتکبین این اعمال انگیزه‌های کلان دارند و می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند. (۳) عنصر سوم این تعریف مربوط به قربانیان تروریست‌هاست که شامل افرادی است که توانایی دفاع از خود ندارند، مانند کشته شدن تمامی سرنشینان هواپیماهایی که در حادثه ۱۱ سپتامبر علیه برج‌های دو قلوی نیویورک و پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) به کارگرفته شد و همچنان تمامی ساکنان که در برج‌های دو قلوی حمله منتهن نیویورک و ساختمان پنتاگون، کشته شدند، توانایی هیچگونه دفاعی را از خود نداشتند. چهارمین عنصر در ارتباط با مرتکبین اعمال تروریستی است که از گروه‌های فراملی تا عوامل سری هستند که کارشان از عملیات نظامی دولت‌ها و کاربرد آشکار نیروهای نظامی بر ضد اهداف نظامی متمایز است. با این تعریف روشن می‌شود که روش تروریست، هراس‌افکنی و خشونت غیرقانونی است و استراتژی آنها دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی است که با

اهداف جنایتکاران عادی مانند دزدان و تبهکاران فرق می‌کند. آنان از وضع موجود جامعه سیاسی ناراضی و تلاش می‌کنند وضع موجود را به هم بزنند (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۴) در نظام ملل متحد در ۱۹۹۴ اعلامیه اقدامات حذف تروریسم بین المللی قطعنامه ۴۹/۶۰ تروریسم را شامل تمامی اعمال جنایی می‌داند که درصدد و یا برنامه ریزی ایجاد وحشت عمومی و علیه یک گروه اشخاص و یا اشخاص خاص با اهداف سیاسی صورت گیرد و این اقدامات به هیچ وجه با هر نوع ملاحظه‌ای سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، قومی، نژادی، مذهبی و یا هر دلیل دیگر قابل توجیه نیست. (OUNHCHR. 2008:5)

## ۲. حقوق بشر بین المللی

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که به ابنای بشر اعطا می‌شوند و کارکرد آن‌ها ایجاد تضمین‌های اخلاقی برای صیانت از مدعاهای ما درباره بهره‌مندی از حداقل زندگی نیکو است. از لحاظ مفهومی، حقوق بشر خود از مفهوم حقوق مشتق شده است (فاگان، ۲۰۰۵: ۷) این تعریف ساده عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به دنبال دارد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است. از این رو به تمامی **افراد** در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد ضمن اینکه همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. این حقوق تضمین‌های اخلاقی انگاشته می‌شوند که مردم در همه کشورها و فرهنگ‌ها، به صرف انسان بودنشان باید از آنها برخوردار باشند. این که این تضمین‌ها (حقوق) خوانده شده‌اند بدان معناست که به همه افراد جویای آن تعلق می‌گیرند، دارای اولویت بالایی هستند و اجابت اجباری است نه مستحب، اغلب حقوق بشر را جهان‌شمول می‌انگارند، به این معنا که همه افراد از آن برخوردارند و باید برخوردار باشند. این حقوق مستقل دانسته می‌شوند، به این معنا که وجود دارند و فارغ از اینکه

توسط نظم قانونی یا رسمی یک کشور به رسمیت شناخته شوند یا به اجرا درآیند یانه، یا به عنوان معیارهای توجیه و نقد در دسترس‌اند. (Nickel.1982:561-2) شناسایی حقوق بشر در سطح بین‌المللی با منعکس شدن پاره‌ای از اصول آن در منشور ملل متحد شروع شد. در مقدمه این منشور از حقوق پایه‌ای انسان‌ها و لزوم احترام به آن یاد شده است و در ماده ۱ آن از همکاری‌های بین‌المللی به منظور تشویق همگان، رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و... سخن به میان آمده است. طبعاً این یادآوری بسیار کلی و انتزاعی بوده و هیچ جنبه عملی و الزامی ندارد. اما نفس قضیه توانست در توسعه حقوق مؤثر باشد. پس از آن مهم‌ترین و معروف‌ترین متن حقوق بین‌الملل درباره حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (خداوردی، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۳۳)

حقوق بشر بین‌المللی در اسناد متنوع شامل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دو پروتکل الحاقی آن، عهدنامه حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی، عهدنامه حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، عهدنامه مقابله با شکنجه، و سایر رفتارهای وحشیانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، و حقوق بین‌الملل عرفی تدوین شده است. (OUNHCHR. 2008:3) پنج مقوله حقوق بنیادی بشر عبارتند از حق حیات، حق آزادی بیان، حق آزادی اجتماع، حق آزادی فکرو عقیده و مذهب، حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (فاگان، ۱۳۸۴: ۹)

۳. بحث نظری: واقع‌گرایی و سازه‌انگاری توجیه‌گر نقض حقوق بشر در فضای تروریسم و سرکوب آن

با عنایت به اینکه پدیده تروریسم معمولاً در فضای مقابله با نظم حاکم شکل می‌گیرد و دولت‌ها قاعدتاً برای حفظ کیان نظام خود و یا حتی حفظ و انحصار اریکه قدرت در دستان خود، برای حفظ نظم و اعمال حاکمیت، اولویت نخست و ویژه‌ای قائل هستند، نمی‌توان سیاست و رویکردهای دولت‌ها و گروه‌های تروریستی را در یک چهارچوب نظری واحد تبیین کرد. اولویت اکثریت دولت‌ها حتی دولت‌های دمکراتیک بقای قدرت خود و حفظ امنیت است و لذا در سیاست عملی، گرایش به نظریه واقع‌گرایی دارند. در

محیط یا نظام کاملاً دولتی که در آن حفظ و گسترش منافع ملی هدف است، حقوق بشر نمی‌تواند از جایگاه مناسبی برخوردار باشد. نو واقع گراها، هنجارهای مانند حقوق بشر را به مثابه نیروهای مستقل و مشخص در روابط بین الملل نمی‌شناسند. دولت‌ها در محیط هرج و مرج بین المللی، هنجارها و اصول حقوق بشری و اخلاقی را در صورت انطباق با حفظ امنیت و قدرت خود می‌پذیرند. (مصفا، ۱۳۸۷:۲۶۲) در نتیجه دولت‌ها در شرایط اضطراری، به صورت پنهان و یا حتی آشکار تا حد نیاز از منظر مقامات امنیتی، از نقض اصول حقوق بشر ابایی ندارند. استدلال مهم مقامات امنیتی، توسل به خشونت برای جلوگیری از تداوم خشونت و جنایت گروه تروریستی است. افسران امنیتی معمولاً مدعی می‌شوند با توسل به شکنجه برای اعتراف گیری، استراق سمع و غیره می‌کوشند از بروز جنایات بیشتر تروریستی پیشگیری کنند.

در مقابل اکثریت گروه‌های تروریستی با نهادینه سازی پاره‌ای از اعتقادات و ارزش‌ها، نوعی از جهان بینی را در اذهان و گفتمان پیروان خود استوار می‌سازند که متکی بر عقاید و ارزشهای مزبور می‌باشد.

سازه انگاری به لحاظ هستی شناسی، تعامل را یک پدیده فرهنگی دانسته و معتقد است که ساختارهای معنایی و هویت‌ها به تبع، منافع و رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نقش هنجارها، ایده‌ها و انگاره‌ها در تعریف قدرت و منافع، حائز اهمیت است. در نتیجه، تجزیه و تحلیل از دیدگاه سازه انگاری باید از ارزش‌ها، هنجارها، انگاره‌ها و بالمجموع از فرهنگ شروع گردد. از این نظر نقطه شروع بررسی در تروریسم و جریان‌ات افراط‌گرایی همچون داعش، ابعاد هویتی - فرهنگی آن است، که به واسطه آن دیدگاه بین الذهنی مشترکی ایجاد می‌شود و به تبع منافع مشترک و هویت یکسانی میان گروه حاصل می‌گردد. (یزدانی، ۱۳۹۳: ۱۵۳)

سازه انگاری از بعد هستی شناسی، «ایده آلیسم» را در مقابل «ماتریالیسم»، «ذهنیت‌گرایی» را در مقابل «عینیت‌گرایی» قرار می‌دهد تا ضمن توجه به نقاط افتراق آنها رویکردی ترکیبی با محوریت معنا و ذهنیت ارائه دهد. از این منظر سازه انگاری به وجود مستقل جهان از ذهن انسانی نظریات خردگرا (همچون نئوئالیسم) باور ندارد.

اولویت گروه تروریستی تلاش برای رسیدن به هدف با ابزار ممکن است و توسل به خشونت یکی از ابزار تلقی می‌گردد. در پاره‌ای از موارد، خود خشونت نیز از جمله ارزشها محسوب می‌شود، جهاد برای نابودی کفار چه جکام و چه شهروندان عادی، خود جزئی از تحقق ارزشها و اجرای احکام تلقی می‌شود.

ایدئولوژی‌ها بر تشدید فضای اطاعت پذیری برای اعضای گروه جهت اقدام جمعی موثرند. در گروه‌های تروریستی، یک ایدئولوژی خود کامه و مطلق گرا به یک توجیه روشنفکرانه تبدیل می‌شود. ایدئولوژی بر اصول اخلاقی گروه، چون کلام وحی نافذ است. (متقی. ۲۶۴:۱۳۸۸)

جدول شماره ۱: رویکرد واقع گرایی دولتها و سازه انگاری گروه‌های تروریستی

در قبال تروریسم

نگرش دولتها در مبارزه با تروریسم (رویکرد واقع گرایی)	نگرش اکثریت گروه‌های تروریستی در توسل به تروریسم (رویکرد سازه انگارانه)
افزایش قدرت برای حفظ امنیت و نابودی اخلاص گران و یا هدایت آنها برای ضربه زدن به طرف خصم	تحقق آرمانها و ارزشهای مورد نظر به عنوان اولویت نخست و ضروری
رفتار نهایی استفاده از ابزارهای لازم برای تأمین امنیت به رغم نقض حقوق بشر	تعریف حقوق بشر در چهارچوب نگرش ایدئولوژیک و توسل بی محابا به تروریسم و خشونت

#### ۴. داده‌ها و تحلیل آنها:

در این قسمت موارد نقض حقوق بشر ناشی از اقدامات تروریستی و نقض حقوق بشر به واسطه ساز و کار مبارزه با آن به عنوان داده‌ها ارائه می‌گردد و روند نقض حقوق بشر تحلیل می‌گردد.

#### نقض حقوق بشر ناشی از اقدامات تروریستی

استانداردهای حقوق بشرکه به طورمستقیم توسط اقدامات تروریستی نقض می‌شوند موارد زیر را شامل می‌شود:



\* حق زندگی

\* حق آزادی و امنیت

تروریسم تأثیر مستقیم در ممانعت از بهره مندی بخشی از حقوق انسانی، به ویژه حق زندگی، آزادی و تمامیت فیزیکی دارد. اعمال تروریستی می‌تواند دولت را بی ثبات سازد و تضعیف جامعه مدنی را به دنبال داشته باشد و صلح و امنیت، توسعه اجتماعی و اقتصادی را تهدید می‌نماید. تأثیر مخرب تروریسم، در حقوق بشر و امنیت است. و این موضوع در بالاترین سطح از سازمان ملل متحد، به ویژه توسط شورای امنیت، مجمع عمومی، کمیسیون سابق و جدید حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. تروریسم عزت و امنیت انسان را در همه جا به خطر می‌اندازد و آزادی‌های اساسی دچار تهدید می‌شود و با هدف تخریب حقوق بشر دارای یک اثر منفی بر استقرار حکومت قانون است. جامعه مدنی کثرت‌گرا را تضعیف می‌کند، پایگاه‌های دموکراتیک جامعه و دولت مشروع را تخریب می‌نماید. فعالیت‌های تروریستی دارای ارتباط با جرائم سازمان یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر، پول شویی و قاچاق اسلحه و همچنین نقل و انتقالات غیرقانونی هسته‌ای، شیمیایی و مواد بیولوژیکی و دارای ارتباط با جرائم جدی مثل قتل، اخاذی، آدم ربایی، تجاوز، گروگان‌گیری و سرقت هستند. اقدامات تروریستی عواقب نامطلوبی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها دارد، بر روابط دوستانه در بین کشورها تأثیر می‌گذارد و تأثیر مخربی بر روابط همکاری در میان دولت‌ها از جمله همکاری برای توسعه دارد.

فعالیت‌های تروریستی تمامیت ارضی و امنیت کشورها را تهدید می‌نماید و با نقض هدف و اصول سازمان ملل متحد، یک تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. حقوق بشر منطقه ای و بین‌المللی روشن می‌سازد که دولت‌ها دارای حق و وظیفه برای محافظت از افراد تحت صلاحیت خود در برابر حملات تروریستی هستند و بیشتر به طور خاص این تعهد به عنوان بخشی از وظایف دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است. (OUNHCHR, 2008:7-8)

ماده ۹ دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام می‌دارد «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد، احدی را نمی‌توان دستگیر یا مورد بازداشت خودسرانه قرار داد مگر طبق آیین دادرسی

و توسط قانون» بر اساس ماده ۵ دادگاه حقوق بشر اروپا "هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ‌کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در موارد زیر مطابق با شرایط خاص:

الف) بازداشت قانونی یک فرد پس از محکومیت توسط دادگاه صالح.  
ب) دستگیری و یا بازداشت قانونی یک فرد منطبق با نظم قانونی دادگاه برای انجام تحقیق.

ج) دستگیری و یا بازداشت قانونی یک فرد مظنون به ارتکاب یک خطا.  
(Osec/Odihr,2007:146)

بنابراین درک حق آزادی و امنیت بسیار مهم است. اقدامات تروریستی به طور بالقوه این حقوق را نقض می‌کند، دستگیری خودسرانه و یا آدم ربایی و یا دیگر رفتارهای تحقیرآمیز و بی‌رحمانه و غیرانسانی باعث سلب آزادی افراد غیرنظامی و بی‌گناه می‌شود. هر محرومیت از آزادی باید توسط قانون تجویز شود، این نیاز منطبق با هر دو قانون ملی و بین‌المللی حقوق بشر است و قانون ملی باید در دسترس و قابل پیش‌بینی باشد. حق آزادی و امنیت در زمینه اقدامات تروریستی نقش حیاتی در تضمین زندگی یک فرد و احترام به تمامیت جسمی او دارد. موسسه مدیریت بحران در یک گزارش تحقیقی تعداد تلفات اقدامات تروریستی را از سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۶ بر اساس آمار رسمی ۴۳۹۱۸ نفر ذکر کرده است. (Institute For Conflict...2016)

## ۵. اقدامات مبارزه با تروریسم و نقض حقوق بشر

تروریسم ناقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است ولی مقابله با آن نمی‌تواند فارغ از رعایت استانداردهای حقوق بشر صورت پذیرد. لزوم رعایت حقوق بشر در مقابله با اقدامات تروریستی به اصلی اولیه و بدیهی باز می‌گردد و آن عمومیت قاعده حقوق بین‌الملل بشر و اعمال یکسان آن نسبت به تمام افراد است. قواعد حقوق بشر فارغ از مقام و موقعیت هر کس حمایت از حقوق و آزادیهای اساسی افراد را محور توجه قرار داده‌اند. متهم یا مرتکب عمل تروریستی نیز انسانی است که مرتکب عملی مجرمانه علیه هموعان خود شده است و این امر باعث نمی‌شود که وصف انسان بودن که با ذات وی عجین شده است به صرف ارتکاب اقدام تروریستی از وی سلب شود. در الزامات

حقوق بشری در مقابله با تروریسم باعث شده که کمیته ضدتروریسم به تبادل وسیع اطلاعات با کمیته حقوق بشر در مورد شیوه‌های کاری خود مبادرت ورزد. از سوی دیگر شورای امنیت در قطعنامه ۱۴۵۶ (۲۰۰۳) اعلام داشت که دولت‌ها باید اطمینان حاصل نمایند که هر اقدام اتخاذی در مبارزه علیه تروریسم با تعهدات آنها طبق حقوق بین‌الملل منطبق خواهد بود و چنین اقداماتی را باید بر اساس حقوق بین‌الملل بشر انجام دهند (زمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۵)

#### ۱-۵. مقابله با تروریسم

مقابله با تروریسم به اقداماتی گفته می‌شود که برای کاهش آسیب‌پذیری‌های فردی و اجتماعی از اعمال تروریستی با استفاده از نیروهای نظامی محلی و مدنی انجام می‌شود (Dod, 2009:39) و به عبارت بهتر، در عین حالی که به معلول (اقدامات تروریستی) پاسخ می‌دهد به علت‌ها و ریشه‌های تروریسم هم توجه دارد. از منظری دیگر، به اقدامات، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و راهبردهایی گفته می‌شود که دولت‌ها، نیروهای نظامی و پلیس به منظور جلوگیری و پاسخ دادن به اقدامات و یا تهدیدات تروریستی، انجام می‌دهند (Nacos, 2008:169) اما در پرداختن به بحث مقابله با تروریسم باید به مفاهیم ضد تروریسم و جنگ علیه تروریسم هم پرداخته شود و حدود و ثغور این سه را مشخص نمود. ضد تروریسم شامل گستره کاملی از اقدامات تهاجمی برای ممانعت، بازدارندگی و پاسخگویی به تروریسم است. این مرحله، آخرین مرحله در مبارزه با تروریسم است، ضد تروریسم اقدامی واکنشی است و به اقدامات گسترده آمادگی، طرح‌ریزی و پاسخگویی که در طرح‌های اقدام متقابل علیه تروریسم گنجانده شده، جنبه قانونی می‌بخشد. به دیگر سخن می‌توان گفت که ضد تروریسم پرداختن به معلول است و تا حدودی از علت‌های اصلی پیدایش اقدامات تروریستی غافل است (طرازکوهی و شبستانی، ۱۳۹۰: ۱۴). مجمع عمومی سازمان ملل، دولت‌ها را در مقابله با تروریسم متعهد به احترام به حاکمیت قانون دانسته است ((G.A. Res. 2003: 57/219) کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هم معتقد است هر شخصی که در رابطه با تروریسم دستگیر می‌شود نباید فردی خارج از حقوق در نظر گرفته شود. ( IHL and other Legal Regimes, 2003:17)

نظام تعلیق مندرج در ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مهم‌ترین ساز و کار حقوق بشر است که دولتها به شرط اثبات وجود شرایط پیش بینی شده، می‌توانند از این نظام برای مبارزه با تروریست‌ها بهره‌برند. در واقع، نظام حقوق بشر با تفکیک میان وضعیت‌های عادی از وضعیت اضطراری دولتها را به رعایت کامل قواعد حقوق بشر مکلف کرده و در وضعیت اضطراری به طور محدود اجازه تعلیق برخی از مقررات را داده است. (امیر ارجمند، ۱۳۸۶: ۵۲)

«جنگ علیه تروریسم» به رهبری ایالات متحده بر این نگرش مبتنی است که وقایع ۱۱ سپتامبر باید به زنگ خطری قلمداد گردد مبنی بر این‌که جهان تغییر یافته است. جامعه بین‌المللی نیازمند ابزارها، استراتژی‌ها و شاید یک ساختار هنجاری جدید در برخورد با این تهدیدهای شدید علیه امنیت جهانی است. به نظر می‌رسد که اصطلاحات «جنگ علیه ترور» و «جنگ با تروریسم» بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایجاد شدند. نخستین نمونه کاربرد این عبارات در اظهارات بوش خطاب به مردم ایالات متحده در غروب روز ۱۱ سپتامبر به چشم می‌خورد. هنگامی که گفت: «ایالات متحده و دوستان و متحدان ما با همه‌آنهايي که در جهان طالب صلح و امنیت هستند، متحد می‌شوند و ما همگی برای پیروزی در نبرد علیه تروریسم ایستادگی خواهیم کرد.» (هافمن، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

در فقدان توافق بین المللی درخصوص این هنجارها، استراتژی‌ها و ابزارهای جدید، جنگ علیه تروریسم براساس الزامات خویش و بدون توجه به هنجارهای موجود آغاز شده است. شیوه آغاز این جنگ، خود تهدیدی برای امنیت انسانی است. با به چالش کشیدن چارچوب حقوق بشر بین المللی و حقوق بشردوستانه که طی چندین دهه با مشقت و دقت شکل گرفته است، جنگ علیه تروریسم، امنیت ما را بیش از هر حمله تروریستی دیگری تهدید می‌کند. کاملاً منطقی است که هراس از «تکرار» حملات ۱۱ سپتامبر تبعات حقوق بشری جنگ علیه تروریسم را در وجدان عمومی تحت الشعاع قرار دهد (هافمن، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۲)

## ۲-۵. موارد نقض حقوق بشر در اقدامات ضد تروریستی

استانداردهای حقوق بشر که در اقدامات ضد تروریستی توسط دولت‌ها نقض می‌شوند:

\* حق زندگی.

\* منع مطلق شکنجه غیرانسانی و اهانت.

\* حق آزادی.

\* حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه.

\* حق حفظ حریم خصوصی.

\* آزادی بیان.

\* آزادی اجتماع.

\* آزادی فکر و مذهب و وجدان.

\* حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

۱) حق زندگی: اعدام‌های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه در درگیری‌های مسلحانه در مبارزه با تروریسم مورد انتقاد قرار گرفته است و همچنین در مورد کشتار کورکورانه شهروندان توسط نیروهای امنیتی و نظامی در درگیری‌های مسلحانه ضد تروریستی ابراز نگرانی شده است. به منظور تضمین حق زندگی در زمان استفاده از نیروی مرگبار در درگیری‌های مسلحانه لازم است زمانی که یک فرد توسط دولت بازداشت شده است، یک تعهد برای اطمینان از سلامت و تندرستی او وجود داشته باشد اگر دولت نتواند اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهد مرگ به عنوان نتیجه عمل مقامات دولتی رخ می‌دهد. (osec/odiher,2007:98-102) دولت‌ها باید امکانات مؤثر برای بررسی کامل موارد ناپدید شدن افراد در شرایط که ممکن است نقض حق زندگی وجود داشته باشد، فراهم نمایند. حق زندگی در نتیجه، مستلزم آن است که عوامل دولت پاسخگو برای استفاده از قدرت کشنده باشد. مجازات اعدام در قوانین بین‌المللی غیرقانونی نیست و وجود آن در هر دو ماده ۲ "کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی" (ECHR.2010.) در ماده ۶ "میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی" (ICCPR.1966) اذعان شده است. ماده ۶ می‌گوید که مجازات اعدام باید به جدی‌ترین جرائم محدود شود. جرم «تروریسم» به خودی خود احتمالاً به اندازه کافی به روشنی مجازات مرگ را اجازه داده است که باید تضمین‌های حقوقی وجود داشته باشد از جمله حق محاکمه

عادلانه در یک دادگاه مستقل، اصل براءت، تضمین حداقل برای دفاع و حق بررسی توسط یک دادگاه بالاتر.

۲) منع مطلق شکنجه غیرانسانی و اهانت: اصطلاح شکنجه به هرگونه عمل که توسط آن درد شدید و یا درد و رنج، چه جسمی یا روانی عمدا در یک فرد ایجاد شود برای به دست آوردن اطلاعات و یا اعتراف و یا تنبیه فرد برای یک عمل که خود او و یا سوم شخص انجام داده است. انواع شکنجه شامل ایجاد سر و صدا، دیوار ایستاده، محرومیت از خواب و غذا، تجاوز به بازداشت شدگان توسط یک مقام رسمی از دولت، شوک الکتریکی، ضربه به سر، تهدید در مورد بد رفتاری با متقاضی است. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد شکنجه نیز به چالش استفاده از «استرس و فشار» در طول بازجویی و بازداشت اشاره دارد. بازداشت شدگان را به ایستادن طولانی مدت و یا زانو زدن، بستن چشم‌ها با عینک ایمنی، محرومیت از خواب و ۲۴ ساعت روشنایی شکنجه می‌نمایند و همچنین نگهداری از بازداشت شدگان در سلول‌های تاریک در زمینه بازجویی و تحقیق در عملیات تروریستی، تجاوز به عنف، محرومیت از حواس طبیعی مانند بینایی یا شنوایی و یا آگاهی از مکان و گذشت زمان، بازجویی بی جهت طولانی، اجبار به امضای اعترافات دروغین، اعدام‌های ساختگی و خطر ناشی از آن، پرس انگشت شست، غوطه وری در خون، ادرار، استفراغ و مدفوع، آزمایش‌های پزشکی، تهدید به خانواده، تخریب عمدی خانه و جامعه، تحقیر، از روش‌های دیگر اعمال شکنجه و رفتار غیرانسانی با بازداشت شدگان است (Boven.2004)

از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، ممنوعیت شکنجه در مبارزه با تروریسم به خصوص در زمینه تکنیک‌های بازجویی، جمع آوری شواهد و شرایط بازداشت مورد بحث قرار گرفته است. هیچ شرایط استثنایی نظیر حالت جنگ یا تهدید به جنگ، اوضاع بی ثباتی سیاسی یا هر شرایط اضطراری عمومی دیگر، نمی‌تواند به عنوان توجیه شکنجه مورد استناد قرار بگیرد. دولت‌ها باید از بازگشت یک فرد مظنون به موطن یا کشور دیگر که در آن او در معرض شکنجه و خطر است باید خودداری نمایند. هر انتقال باید به شیوه‌ای که شفاف و مطابق با حقوق بشر و حاکمیت قانون، از جمله حق احترام به حیثیت ذاتی درمقابل قانون و حق دادرسی، باشد صورت پذیرد.

بعد از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، برخی از کشورها گزارش تحویل، اخراج اتباع خارجی را منتشر کردند. برخی از آنها پناهجویان مظنون به تروریسم بودند که به کشور مبدأ خود و یا به کشورهای دیگر که در آنها گفته می‌شد آنها در معرض شکنجه و بدرفتاری قرار دارند فرستاده شدند. در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگی و نیز در سایر اسناد بین‌المللی به ویژه در ماده ۳ کنوانسیون ضد شکنجه و کنوانسیون بین‌المللی برای حفاظت از ناپدید شدن اجباری و همچنین در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به تعهد دولت‌ها در جلوگیری از اخراج یا استرداد متهمین به کشور مبدأ یا کشوری که در معرض شکنجه و یا رفتارهای غیرانسانی قرار دارند اشاره دارند (OUNHCHR. 2008:33-36)

۳) حق آزادی: از دیدگاه مقابله با تروریسم، درک حق آزادی بسیار مهم است. در مبارزه با تروریسم، یک راه در پاسخ به مشکل بالقوه اقدامات تروریستی، بازداشت کسانی است که ممکن است تصور شود در اقدامات تروریستی نقش داشته باشند. در مبارزه با تروریسم، توانایی اجرای قانون بازداشت مظنون به سرعت و به طور مؤثر بالا است. در زمینه مبارزه با تروریسم، مسائل خاص از دیدگاه حقوق بشر در رابطه با حق آزادی عبارتند از:

\* دسترسی به وکیل.

\* دسترسی به دادگاه برای بررسی.

\* آگاهی از جزئیات دلایل دستگیری.

\* آگاهی از اطلاعات مربوط به اتهامات.

حق آزادی اشاره صریح به دسترسی به وکیل دارد و بدون دسترسی فوری به یک وکیل، این حق می‌تواند بی‌معنی باشد، تحت این آموزه حقوق بشر باید عملی و موثر شود، به همین دلیل دسترسی به وکیل نشان دهنده حفاظت حیاتی برای بازداشت شدگان است،

این دسترسی باید فوری و مؤثر باشد. (HRC. General Comment. 1992 No.21)

۴) حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه: تضمین حقوق دادرسی برای افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی، در اقدامات ضد تروریسم بسیار مهم هستند. (Osce/Odiher, 2007:166) حق برخورداری از محاکمه عادلانه گسترده‌تر از مجموع

حداقل تضمین‌های فردی است و این حق تا حدودی متفاوت از دیگر تضمین‌های حقوق بشر است هرچند ممکن است در زمان‌های اضطراری این حق نادیده گرفته شود و کل مفهوم دادرسی و حاکمیت قانون را تضعیف کند. در رابطه با حق آزادی و حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه، پیش‌نویس دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر و تروریسم اشاره می‌کند که هیچ شخصی را بدون شواهد به دست آمده نمی‌توان بازداشت کرد، نقض استانداردهای بین‌المللی و انتقال اجباری افراد به بهانه تأمین امنیت بدون شواهد کافی، قانون جنایت علیه بشریت را تشکیل می‌دهد. (HRC, General Comment.1984, No.13)

۵) حق حفظ حریم خصوصی: هر استراتژی مبارزه با تروریسم به احتمال زیاد منجر به تداخل با حفظ حریم خصوصی خواهد شد، ابزارها و روش‌هایی که می‌تواند در عملیات مبارزه با تروریسم استفاده شود از روش پلیس سنتی مانند جستجوی فیزیکی یک مظنون تا استفاده از تجهیزات نظارت استراق سمع، جمع‌آوری و حفظ نظام‌مند اطلاعات سرویس‌های امنیتی، طرح‌های نظارت تصویری و استفاده از دستگاه‌های ردیابی، نمونه‌های جمع‌آوری مانند اثر انگشت، بسیار پیچیده است. ذخیره و انتشار اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی فرد در سیستم پلیس تداخل با حق فرد برای احترام به زندگی خصوصی را در برخواهد داشت علاوه بر این سرشماری عمومی اجباری، از جمله مسائل مربوط به مشخصات شخصی ساکنان یک خانواده و یا در نظر گرفتن اثر انگشت و عکس‌ها، ناقض حفظ حریم خصوصی است. صداقت و محرمانه بودن مکاتبات باید به لحاظ قانونی عملاً تضمین شود. مکاتبات باید بدون رهگیری و بدون این‌که باز شود به مخاطب تحویل داده شود و کنترل و ضبط مکالمات تلفن و تلگراف و دیگر اشکال ارتباطات باید ممنوع شود و جستجوی خانه شخص باید به یک جستجو برای شواهد لازم محدود شود و نباید اجازه داده شود موجب آزار و اذیت افراد شود (Osec/Odiher, 2007:200-203)

۶) آزادی بیان: آزادی بیان یکی از پایه‌های اساسی یک جامعه دموکراتیک است و برای تشکیل افکار عمومی کافی است. مبارزه با تروریسم که به عنوان توجیهی برای محدودیت بر آزادی بیان است و یک توجیه متناسب و لازم برای ارائه دخالت است.



دولت‌ها با توجه به موقعیت غالب خود، باید آماده پذیرش انتقاد بدون تحریم‌های جنایی، باشند حتی اگر این انتقاد تحریک آمیز و یا توهین و یا اگر آن را شامل اتهامات جدی علیه امنیت بدانند، وظایف و مسئولیت‌های در رابطه با محدودیت در آزادی بیان بار ویژه‌ای تحمیل می‌کند. (Scheinin, 2005. Para.56)

(۷) آزادی اجتماع: در زمینه مقابله با تروریسم دولت‌های شرکت کننده:

۱. باید با احترام به دموکراسی و حکومت قانون با اجازه دادن به تمام شهروندان برای مشارکت کامل در زندگی سیاسی با جلوگیری از تبعیض و تشویق گفتگو بین فرهنگی و بین مذاهب در جوامع خود، با تعامل با جامعه مدنی در پیدا کردن راه‌حل سیاسی برای درگیری‌های مشترک توسط ترویج حقوق بشر و تحمل و با مبارزه با فقر تلاش نمایند.

۲. وظیفه دولت در حفاظت از تجمع مسالمت‌آمیز، این مسئولیت دولت است مکانیسم‌ها و روش‌های اطمینان‌آمیز اتخاذ نماید که در عمل آزادی صلح‌آمیز حاصل شود.

۳. هر محدودیت تحمیل شده باید به طور رسمی در قانون وجود داشته باشد و خود قانون باید سازگار با قوانین بین‌المللی حقوق بشر باشد و باید به اندازه کافی دقیق باشد برای فعال کردن یک فرد برای ارزیابی این که آیا رفتار خود را نقض قانون می‌داند یا خیر و چه عواقبی چنین نقضی احتمالا دارد؟

۴. هرگونه محدودیت تحمیل شده بر آزادی تجمع باید متناسب باشد با این حق، اصل تناسب در نتیجه مستلزم آن است که مقامات مسئول محدودیتی بر آزادی تجمع تحمیل نکنند مانند محدودیت‌های مسیریابی و راه‌پیمایی در تجمعات.

۵. دولت خوب، مردم باید تصمیم‌گیری در مورد تنظیم آزادی تجمع را بدانند و این باید به روشنی در قانون بیان شود و مرجع ناظر باید اطمینان حاصل کند که عموم مردم دسترسی کافی به اطلاعات قابل اعتماد و شفاف دارند.

۶. آزادی تجمع مسالمت‌آمیز که به طور مساوی باید همه افراد از آن بهره‌مند شوند. در تنظیم آزادی مربوطه نباید در برابر هر فرد یا گروهی تبعیضی مانند: نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و یا ... اعمال کرد. (Osec/Odiher, 2007:241-243)

(۷) آزادی فکر و مذهب و وجدان: در زمینه مبارزه با تروریسم، کنوانسیون سوم و چهارم ژنو اشاره می‌نماید که دولت‌ها موظف به احترام به دین و مذهب افرادی هستند که از

آزادی خود محروم هستند این شامل: آزادی مذهب خود، دسترسی به روحانیت و منع تبعیض براساس رنگ و نژاد و مذهب و... است (کنوانسیون سوم ژنو، مواد ۳۴ و ۳۵. کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۷۶، ۸۶ و ۹۳) گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در آزادی دین یا اعتقاد (Jahangir.2003. Paras 27-29) اشاره کرده است که حذف بازداشت شدگان از اقلام مذهبی مانند قرآن، به منزله محدودیت مذهبی است و بازداشت شدگان بدون مراقبت توسط روحانیون مذهبی رها می‌شوند که این نقض قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با بازداشت شدگان است.

۸) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: اتخاذ اقدامات خاص مبارزه با تروریسم نیز تأثیر مستقیم بر بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. به عنوان مثال تحریم علیه افراد مظنون به دست داشتن در فعالیت‌های تروریستی مانند بستن دارایی‌های مالی یا تحمیل محدودیت سفر برای آنها، ممکن است عواقب جدی برای توانایی افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی و خانواده‌های آنها برای لذت بردن از حقوق اقتصادی و اجتماعی داشته باشد و ممکن است دسترسی آنها به آموزش و اشتغال را طبق قوانین بشردوستانه محدود کند و اقدامات امنیتی مانند کنترل سفارشات در فرآیند مبارزه با تروریسم به شدت توانایی افراد به آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی و یک زندگی خانوادگی را محدود می‌کند (OUNHCHR, 2008:46-48)

### ۳-۵. شرایط اضطراری ناشی از اقدامات ضد تروریسم

در نظام بین الملل حقوق بشر از طرفی به دولت‌ها اجازه داده شده است که بنا بر حفظ آزادی دیگران، حفظ امنیت و بهداشت عمومی، محدودیت‌هایی بر حقوق بشر وضع نمایند (گزارش تروریسم و حقوق بشر، ۲۰۰۲: بند ۵۳) و از طرف دیگر علاوه بر این محدودیت‌ها، امکان تعلیق برخی از قواعد حقوق بشر پیش بینی شده است. نظام مذکور، با شناسایی وضعیت‌های اضطرار عمومی که در آن (حیات ملت تهدید می‌شود) به دولت‌ها اجازه تعلیق برخی از قواعد حقوق بشر را داده است. لازم به تأکید است که آستانه «تهدید حیات ملت» به قدری بالا است که بتواند تضمین کننده حقوق افراد (منافع فردی) در برابر ادعاهای احتمالی تهدید منافع عمومی باشد. ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در حقیقت بیانگر ساز و کار فوق می‌باشد، به موجب این ماده: «در دوران

اضطراب عمومی که حیات ملت را تهدید کرده و وجود این وضعیت رسماً اعلام می‌شود. دولت‌های عضو این میثاق می‌توانند دقیقاً به میزانی که وضعیت ایجاب می‌کند، تدابیری برای تعلیق تعهداتی که به موجب این میثاق برعهده دارند، اتخاذ نمایند. مشروط به آنکه این تدابیر با سایر تعهدات آنها که به موجب حقوق بین الملل برعهده دارند، مغایر نبوده و به تبعیض منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، منشأ مذهبی یا اجتماعی منجر نشود» (امیرارجمند ۱۳۸۶: ۵۹-۵۸)

#### ۴-۵. آثار اعلام شرایط اضطراری ناشی از اقدامات ضد تروریسم

مهم‌ترین اثر اعلام وضعیت اضطراری، امکان تعلیق برخی از قواعد حقوق بشر است که در وضعیت عادی رعایت آنها برای دولت‌ها الزامی است. به دیگر سخن، در صورت اعلام صحیح یک وضعیت اضطراری، دولت عضو میثاق یا عضو کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر با وجود عدم رعایت برخی از مقررات - معلق شده - حقوق بشر، h ناقض حقوق بشر شناخته نخواهند شد. در مورد وضعیت اضطراری ناشی از تروریسم نیز باید تصریح کرد که در صورتی که تروریسم بتواند آستانه‌های لازم را برای شناخته شدن به عنوان (وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند) به دست آورده دولت درگیر حملات تروریستی می‌تواند با اعلام وضعیت اضطراری و تعلیق برخی از مقررات قابل تعلیق حقوق بشر، به مبارزه با تروریسم ادامه دهد. در هر حال باید به این نکته توجه نمود که اعلام وضعیت اضطراری به معنای تعطیلی کل قواعد حقوق بشر نیست. در حقیقت نظام حقوق بشر با برقراری تفکیک میان قواعد عادی و بنیادین خود توانسته به تدریج اصول و قواعدی را شناسایی و معین کند که صرف نظر از هر وضعیتی قابل اعمالند. چنین رویکردی تفکیک میان قواعد قابل تعلیق و قواعد غیر قابل تعلیق حقوق بشر را ضروری می‌سازد. در هر حال برخی از قواعد حقوق بشر آن چنان با شأن و کرامت انسانی و به عبارت بهتر با انسانیت انسان هم آمیخته اند که در هیچ حال قابل تعلیق نمی‌باشند.

بند ۲ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوق ذیل را با صراحت جزء حقوق غیر قابل تعلیق معرفی می‌کند: حق حیات (ماده ۶)، حق بر عدم شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای خوارکننده غیر انسانی (ماده ۷)، منع برده‌داری، برده فروشی و به بردگی کشاندن (بندهای

اول و دوم ماده ۸)، منع زندانی کردن به علت ناتوانی در اجرای تعهدات قراردادی (ماده ۱۱)، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری (ماده ۱۵)، حق شناسایی شخصیت حقوقی افراد (ماده ۱۶)، و حق برآزادی فکر، وجدان و مذهب (ماده ۱۸)، علاوه بر این مواد، ممنوعیت مجازات اعدام نیز برای دولت‌های عضو پروتکل دوم اختیاری میثاق غیرقابل تعلیق است

در این راستا کمیته حقوق بشر، در سال ۲۰۰۱ با عنایت به رویه موجود و توسعه به عمل آمده از زمان تصویب حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) فهرست نسبتاً مفصلی از این حقوق را به دست داده است. این حقوق عبارتند از: ۱) عدم تبعیض: ۲) حق بر رفتار انسانی: ۳) حق بر آزادی شخصی ۴) حق بر محاکمه عادلانه و دیگر تضمینات قضایی ۵) ممنوعیت گروه‌انگیزی و ناپدید شدن اجباری ۶) غیرقابل تعلیق بودن مقررات (تضمینات) شکلی. با وجود آنکه آن که این حقوق مورد اشاره بند ۲ ماده ۴ میثاق قرار نگرفته اند، همگی به طور عرفی جزء حقوق غیرقابل تعلیق در نظر گرفته می‌شوند (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۱)

### ۲.۳. نقض حقوق بشری با اقدامات ضد تروریستی ملی در آمریکا

با عنایت به اینکه نظام ایالات متحده آمریکا مدعی سردمداری حقوق بشر در جهان می‌باشد ولی موارد نقض حقوق بشر در نظام حقوقی و اجرایی مبارزه با تروریسم در این کشور قابل مشاهده است.

#### ۱) قانون پاتریوت و آزادی‌های مدنی

این قانون در واقع واکنش به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و پاسخ به درخواست قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل است که در زمان ریاست جمهوری «جرج بوش» برای مبارزه با تروریسم درکنگره تصویب شد. قانون بحث انگیز پاتریوت مورد پشتیبانی مقامات امریکایی در جهت تلاش برای اجرای فراملی این قانون قرار گرفت.

موارد متناقض با اسناد حقوق بشری در این قانون بدین شرح است:

**الف) بازداشت اتباع غیرآمریکایی بدون ایراد اتهام و نگهداری نامحدود آنها**

#### در صورت ایراد اتهام به آنها

اگر دولت تأیید کند که براساس دلایل قابل قبولی اعمال یک شخص، اساس امنیت ملی آمریکا را تهدید می‌کند، دولت مجاز خواهد بود بر طبق این قانون شخص بازداشت شده

را بدون هیچگونه ایراد اتهامی تا ۷ روز در بازداشت نگاه دارد. بعلاوه با تشخیص دادستان، ادامه بازداشت این شخص مجدداً بدون ایراد اتهام و فقط به دلیل این که موجب تهدید امنیت ملی آمریکا است تا ۶ ماه مجاز است و فرد بیگناه تنها در این ۶ ماه، مجاز به درخواست تجدید نظرخواهی از دادستانی کل می‌گردد. این کار حقوق حمایت شده بین المللی و همینطور آمریکا رادرائین دادرسی حقوقی و عدم تبعیض نژادی مورد تعرض قرار می‌دهد. (The USA PATRIOT Act, 2001)

بدون شک از مواد مهمی که مورد نقض قانون پاتریوت قرار می‌گیرد ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد در این ماده ذکر شده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند».

#### ب) تعدی به حریم خصوصی افراد

بر مبنای ماده ۲۱۵ قانون پاتریوت، قانون پاتریوت آمریکا به دولت اجازه می‌دهد تا حتی مطالعات افراد را با کنترل کتابخانه‌های عمومی و کتاب فروشی‌ها مورد مذاقه قرار دهد. همچنین با اتخاذ روش‌های «دید زدن پنهانی» بازرسی فیزیکی اموال و کامپیوترها، استراق سمع، کنترل ایمیل و دسترسی به سوابق مالی و تحصیلی را بدون اطلاع اجازه می‌دهد. علاوه بر اینکه کتابداران موظف‌اند اطلاعات کاربران را در اختیار مأموران فدرال قرار دهند، نباید افشای این اطلاعات را به فرد مورد نظر یا عموم مردم اطلاع دهند. این قانون مقررات مبنی بر لزوم رضایت دانشجویان برای افشای اطلاعات فردی خود را اصلاح نمود و دانشگاه‌ها را ملزم کرد تا این اطلاعات را در اختیار مأموران فدرال قرار دهند. مأموران امنیتی ایالات متحده همواره تأکیدات زیادی در دسترسی به فعالیت‌های اینترنتی کاربران داشته‌اند و همواره در نیل بدین هدف کوشیده‌اند. سرویس‌های ارائه‌دهنده اینترنتی، از جمله یاهو و گوگل، بدین منظور محتوای پست الکترونیک و پست صوتی را تا مدتی نگه‌داری می‌نمایند. از این جهت، قوانین متعددی برای جلوگیری از نادیده انگاشتن حریم خصوصی افراد در محیط مجازی تصویب شد. از جمله آنان می‌توان به قانون «چندگانه کنترل جرم و امنیت معابر ۱۹۶۸ میلادی» و قانون «نظارت اطلاعاتی خارجیان ۱۹۷۸ میلادی» و قانون «ارتباطات الکترونیک ۱۹۸۶ میلادی» اشاره نمود. اما همان‌طور که یکی از نویسندگان آمریکایی اشاره می‌نماید: «قانون

پاتریوت به شکل مؤثری این دیواره آتش قانونی را که طی یک ربع قرن ایجاد شده بود نابود ساخت.» (فرنام، ۱۳۹۳: ۴)

### ج) زندان گوانتانامو

تداوم بازداشت بیش از ۶۰۰ تن از متهمان به ارتکاب اقدامات تروریستی در پایگاه نظامی در خلیج گوانتانامو کم کم به آشکارترین نمونه تهدید چارچوب حقوق بشر تبدیل شد که جنگ علیه تروریسم مسبب آن است. بازداشت شدگان گوانتانامو در واقع به یک «منطقه آزاد حقوق بشری» یا یک «سیاهچاله قانونی» انتقال داده شده‌اند که تنها حائل میان آنها و اعمال قدرت اجرایی غیرقابل تجدیدنظر و خودسرانه، بازدیدهای کمیته بین المللی صلیب سرخ بوده است. زندانیان این زندان از دسترسی هر مرجع قانونی خارجند و لذا با آنها رفتاری می‌شود که زندانبانان با توجه به شرایط تشخیص می‌دهند. ایالات متحده اظهار می‌کند که با این زندانیان باید مطابق مقررات حقوق جنگ رفتار شود. با این وجود، حق استماع دعوا در محضر دادگاه صالح مطابق ماده ۵ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ جهت احراز اینکه آیا آنان زندانیان جنگی محسوب می‌شوند یا خیر، گویا اینکه صلیب سرخ بر این اعتقاد است که آنها زندانیان جنگی‌اند، از آنها دریغ شده است. به اعتقاد ایالات متحده مسلم است که آنها از «مبارزان دشمن» یا «دشمنان بیگانه» بوده و می‌توان آنها را در کمیسیونهای نظامی محاکمه کرد، خواه از سوی این کمیسیونها محکوم شده باشند یا خیر، و به صورت نامحدودی در بازداشت نگاه داشت. دستورنظامی ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱، یعنی دستور بازداشت، نگهداری و محاکمه بعضی اتباع بیگانه در جنگ علیه تروریسم بازداشت و محاکمه تروریست‌ها را مجاز دانسته و متضمن تعریف وسیعی از اشخاص مشمول این دستورات است.

مقامات ایالات متحده ممکن است هر شخصی را که به اعتقاد آنان مشمول این تعریف باشد بازداشت و به منطقه آزاد حقوق بشری گوانتانامو انتقال دهند. در آنجا ایالات متحده تحت هیچ نظارت قضایی از سوی مراجع داخلی یا بین المللی نیست و با زندانیان به هر شکلی رفتار می‌شود تا وقتی که آنها محاکمه شده و آزاد شوند یا همچنان به صورت نامحدودی در این شرایط نگهداری شوند. دستورنظامی فوق که تنها بر اتباع بیگانه اعمال می‌شود، به ایجاد یک استاندارد دوگانه در خصوص رفتار با اتباع ایالات متحده که

در فعالیت های تروریستی نقش داشته‌اند و مستحق برخورداری از یک سری تشریفات حقوقی هستند و اتباع بیگانه که از این حقوق برخوردار نیستند می‌شود دلیلی وجود ندارد که اتباع ایالات متحده در فعالیت های تروریستی شرکت نکنند در واقع تا پیش از ۱۱ سپتامبر، بدترین عملیات تروریستی در خاک ایالات متحده در اکلاه‌ماسیتی (Oklahoma City) و توسط شهروند آمریکایی به نام تیموتی مک وی (Timothy Mc weigh) با ۱۶۸ کشته انجام شده بود. این ایده که اتباع بیگانه مستحق برخورداری از استانداردهای بین المللی محاکمه منصفانه نیستند چون یک مشت تروریست‌های بی ارزشند، باهنجارهای ضد تبعیض بین المللی و محاکمه منصفانه و همچنین با اماره برائت مغایرت دارد. (هافن، ۱۳۸۵: ۱۴۲-۱۴۰).

در بازدید صلیب سرخ جهانی از زندان، گزارش شد که مقررات اصول زندانی و حقوق بشر و حتی مقررات کنوانسیون‌های ژنو در زندان گوانتانامو رعایت نمی‌شود. رفتار تحقیر زندانیان مستمرا صورت می‌گیرد. (Press Release. 2006) سایر اقدامات مسئولان زندان ماهیا شکنجه پیدا می‌کند. ((Neil. 2004) Reuters. 2007)

در آوریل ۲۰۰۴، دیپلمات‌های کوبایی از مجمع عمومی سازمان ملل درخواست اجرایی یک بررسی از وضعیت خلیج گوانتانامو به عمل آوردند (Castro. 2008). گزارشگر ویژه سازمان ملل، مارتین شنین در ۲۰۰۷ طی گزارش تفصیلی اعلام داشت ایالات متحده آمریکا در زندان گوانتانامو مقررات حقوق بین الملل به ویژه اصول میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی را نقض کرده است. حتی ماده ۵ قواعد دادگاه‌های کنوانسیون‌های ژنو رعایت نشده است. (Human Rights News. 2002) هنری تی کینگ دادستان دادگاه‌های نورنبرگ اعلام می‌دارد که دادگاه‌های گوانتانامو حتی قواعد محکمه نورنبرگ را رعایت نکرده‌اند. رویکرد دادگاه‌ها و برنامه‌های کمپ گوانتانامو مغایر با اصول کنوانسیون‌های ژنو می‌باشد. (Reuters 2007)

### نتیجه گیری

تروریسم پدیده‌ای است محصول علل مختلف لیکن ازدید مناسبات تروریسم و حقوق بشر، این پدیدار، معلول نقض حقوق بشر و نبود شرایط صلح ماندگار است. توسل به تروریسم با هر انگیزه‌ای، به نقض بسیاری از حقوق اساسی بشری فردی و همگانی،

منجر می‌گردد و در درجه اول، حق بر صلح و آرامش همگانی بشر را در معرض تهدید قرار می‌دهد. شیوه کنونی (جنگ با تروریسم)، چارچوب حقوق بشر بین المللی را که از جنگ جهانی دوم به این سو با مشقت و صعوبت بنا شده، تهدید می‌کند. موضوع نقض حقوق بشر توسط تروریسم در اسناد متنوع حقوق بین الملل، شامل سازمان ملل متحد و اسناد حقوق بشری اروپایی در حد قابل ملاحظه‌ای مطرح و بحث شده است. از سوی دیگر ممانعت از نقض حقوق بشر بین المللی نیز در فرایند مبارزه با تروریسم در اسناد مذکور مورد توجه شایسته قرار گرفته است. در این اسناد مشخص شده است که حق تعلیق موقت پاره‌ای از حقوق بشری در راستای مبارزه با تروریسم آنقدر موسع نیست که هر گونه رفتار ناقض حقوق بشر را توجیه نماید. اقدامات دولت آمریکا در زندان گوانتانامو که مغایر با حقوق بشر بین المللی و حتی کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد به هیچ وجه در مقوله مبارزه با تروریسم قابل توجیه نمی‌باشد. بدون تردید قوانین ضد تروریسم تأثیراتی عمیق و ژرف بر حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر از جمله حق دادرسی منصفانه، حق عدم بازداشت خودسرانه، رهایی از شکنجه و رفتار یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده، حق آزادی بیان، حق برخورداری از زندگی (حریم) خصوصی، حق عدم تبعیض، حق اصلاح و بهبود مؤثر برای نقض حقوق بشر دارد لذا نمی‌توان و نباید احترام به حقوق بشر را در هیچ شرایط و اوضاع و احوالی مانعی برای مبارزه علیه تروریسم دانست. در پایان می‌توان اذعان داشت که حقوق بشر متأسفانه قربانی اقدامات تروریستی و فعالیتهای مبارزه با آن شده است. گروه‌های تروریستی با رویکردی سازه انگارانه، به راحتی توسل به خشونت سیاسی را توجیه می‌کنند. البته این گروه‌ها حتی اگر اهداف و انگیزه‌های مشروعی مانند مبارزه با استبداد، تبعیض نژادی و یا دست‌یابی به حق تعیین سرنوشت دارند نباید شهروندان عادی را قربانی فعالیت‌های تروریستی خود قرار دهند. دولت‌ها نیز باید دقت و آفری بخرج دهند تا موضوع مبارزه با تروریسم عملاً به نقض فاحش حقوق بشر منتهی نگردد هر چند که دولت‌ها با نگرشی واقع‌گرایانه همواره حفظ حاکمیت و اقتدار خود را اولویت نخست در سیاست‌گذاری می‌دانند.



## منابع

### الف - فارسی

- امیر ارجمند، اردشیر و محسن عبداللهی. ۱۳۸۶. "اعمال حقوق بشر در مبارزه با تروریسم" نامه حقوقی، ۶۴. ج ۳. ش ۲. ۱۳۸۶. صص ۵۱-۸۰
- خداوردی، حسن ۱۳۸۵ "تروریسم و حقوق بشر"، ویژه نامه علوم سیاسی علوم سیاسی دانشگاه آزاد آشتیان سال ۱۳۸۵ پیش شماره ۱.
- زمانی، نادر ۱۳۹۰ "مقابله با تروریسم: تبیین معیار اقدام درپرتو حقوق بشر، در"عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تروریسم و مقابله با آن، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
- فاگان، اندرو ۱۳۸۴ "مفهوم حقوق بشر"، ترجمه‌ای امیرغلامی، درج شده در سایت سکولاریسم برای ایران
- فرنام، ثریا. ۱۳۹۳. " قانون پاتریوت و نقض آزادی‌های مدنی در آمریکا"، موسسه مطالعات آمریکا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳
- طرازکوهی، حسین و علی شیبستانی ۱۳۹۰ "مقابله با تروریسم درپرتو سیاست‌های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران"، مجله سیاست دفاعی. سال ۱۹، شماره ۷۶، ۱۳۹۰
- کارگری، نوروز ۱۳۹۰ " تروریسم و حقوق بشر"، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم. دانشنامه ویکی پدیا ۲۰۱۵ "حقوق بشر"، ۲۵ مارس.
- متقی، ابراهیم و صمد ظهیری، فاطمه چلائیان. تروریسم و جنبش‌های اجتماعی-سیاسی جدید. فصلنامه سیاست. دوره ۲۹. ش ۱. بهار ۱۳۸۸. صص ۲۸۴-۲۶۱
- مستقیم، بهرام و روح الله قادری کنگاوری ۱۳۹۰ " نقض حقوق بشروگسترش تروریسم"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق وعلوم سیاسی. مقاله ۱۴، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صفحه ۲۵۱-۲۷۰
- ناجی راد، محمد علی ۱۳۸۷ "جهانی شدن تروریسم"، تهران: وزارت امورخارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- نماین، پیمان ۱۳۸۸ "بررسی دلایل جرم انگاری تروریسم در اسناد بین المللی"، فصلنامه حقوق و مصلحت مجله کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- هافمن، پل ۱۳۸۵ "حقوق بشروتروریسم"، ترجمه‌ای علیرضا ابراهیم گل، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری.
- یزدانی. عنایت الله و رؤیا نژادرننده، ۱۳۹۳. نگاهی سازه انکارانه به ظهور پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه با تاکید بر پیدایش داعش در منطقه فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین.

Boven.Theovan. 2004. **Report of the UN Special Rapporteur on the Question of Torture and Other Cruel, In human or Degrading Treatment or Punishment** 2004,doc.E/CN.4/2004/56/Add.1, para1813, available at< [www.osce-org/odihr](http://www.osce-org/odihr)>.

.Castro blasts Guantanamo 'concentration camp'". Archived from the original on 18 June 2008.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Guantanamo\\_Bay\\_detention\\_camp](https://en.wikipedia.org/wiki/Guantanamo_Bay_detention_camp)

Dod 2001"Department of Defense.**Dictionary of Military and Associated Terms"**

ECHR. 2010. **Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms** Rome, 4.XI.1950.Last amendment is 2010. European Court of Human Rights. ECHR Council of Europe F-67075 Strasbourg cedex Design: © ECHR - Photo: © Shutterstock [www.ec hr.coe.int](http://www.ec hr.coe.int)

The Inside of HISTORY Newsletters. **OKLAHOMA CITY BOMBING**

<http://www.history.com/topics/oklahoma-city-bombing>

The Institute for Economics and Peace IEP. **Global Terrorism Index**. 2014. [www.economicsandpeace.org](http://www.economicsandpeace.org)

Institute for Conflict Management and South Asia Terrorism Portal.2016 [http://www.satp.org/satporgtp/countries/india/states/jandk/data\\_sheets/annual\\_casualties.htm](http://www.satp.org/satporgtp/countries/india/states/jandk/data_sheets/annual_casualties.htm). 3,3701,8211,591763662232

ICCPR1966. **International Covenant on Civil and Political Rights**.

Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A XXI of 16 December 1966, entry into force 23 March 1976, in accordance with Article 49

HRC, General Comment 1984 No. 13- **Equality before the courts and the right to a fair and public hearing by an independent court established by law** Art. 14, 13 April, para. 1, available at [www.osce.org/odihr](http://www.osce.org/odihr).

Human Rights News 2002"**U.S. Officials Misstate Geneva Convention Requirements**". 28 January 2002. Retrieved 17 March 2006.

- HRC, General Comment 1992 No. 21, concerning humane treatment of persons deprived of liberty Art. 10, 10 April, para.3, available at [www.osce.org/odhr](http://www.osce.org/odhr).
- HRC, General Comment 1984 No. 13- Equality before the courts and the right to a fair and public hearing by an independent court established by law Art. 14, 13 April, para. 1, available at [www.osce.org/odhr](http://www.osce.org/odhr).
- Jahangir. Asma 2003 Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions,, doc. E/CN.4/2003/7, 22 December 2003, paras. 27-29, available at < [www.osce-org/odhr](http://www.osce-org/odhr)>.
- Neil A. Lewis,. 30 November 2004. "*Red Cross Finds Detainee Abuse in Guantánamo*". *The New York Times*. Retrieved 15 March 2006.
- Nickel, James 1987,"Declaration of Human Rights Making Sense of Human Rights: Philosophical Reflections on the Universal", Berkeley: University of California Press.
- Nacos, Brigitte L 2008,"**Terrorism and Counter Terrorism**:Penguin Academics."
- OSCE/ODIHR 2007,**Countering Terrorism Protecting Human Rights**, available at:<[www.osce.org/odhr](http://www.osce.org/odhr)>.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights 2007-8, Human Rights, Terrorism and Counter-terrorism, available at:<<http://www.hrw.org>>.
- Oxford 1993 Advanced Learners Dictionary.
- OUNHCHR2008. Office of the United Nations High Commissioner for Human Right. Human Rights, Terrorism and Counter-terrorism. Fact Sheet No. 3 Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights United Nations Office at Geneva 8-14, Avenue de la Paix CH-1211 Geneva 10 Switzerland. ISSN 1014-5567. 2008. P.1
- "Press Release 04/70: The ICRC's work at Guantanamo Bay". *International Committee of the Red Cross*. November 2004. Retrieved 15 March 2006.
- .Report on Terrorism and Human Rights, 2002:Para.53,available at <[www.Human\\_Rights/3/5694-8.pdf](http://www.Human_Rights/3/5694-8.pdf)>.21.
- Reuters. 2007. "Guantanamo Tactics 'Tantamount to Torture' -NY Times". Reuters. Archived from the original on 8 December 2004. Retrieved 5 July 2007.
- Reuters.2007."Nuremberg prosecutor says Guantanamo trials unfair".. 11 June 2007.
- Scheinin. Martin.2005. Report by the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms while Countering Terrorism 2005,, doc. E/CN.4/2006/98, 28 December, para. 56 c and more recently in doc.A/61/267,16 August 2006, para. 28, available at < [www.osce-org/odhr](http://www.osce-org/odhr)>.
- Theovan Boven.2004. Report of the UN Special Rapporteur on the Question of Torture and Other Cruel,Inhuman or DegradingTreatment or

Punishment 2004, doc.E/CN.4/2004/56/Add.1, para1813, available at <[www.osce-org/odhr](http://www.osce-org/odhr)>.

The USA PATRIOT Act: Preserving Life and Liberty Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism

White, Katherine 1999, "Crisis of science: Reconciling Religious Health Care Providers' Beliefs and Patients' Rights", Stanford Law Review 51: 1703–1724.

